



Investigating the Government's Exclusive and Guaranteed Purchase of Wheat during World War II (1941- 1945)

Mohammad Bakhtiari¹

Assistant Professor, Department of History at Imam Khomeini International University

Received: July, 10, 2020; Accepted: September, 05, 2020

(pp. 1-19)

Abstract

Guaranteed purchase of wheat to achieve self-sufficiency and to support producers and consumers has been one of the policies implemented by the governments since the era of the first Pahlavi. But sometimes not only have those goals not been met, they have had disastrous consequences. World War II was one of the instances in which the government initiated a monopoly and guaranteed purchase of wheat from landowners and farmers to provide the people with the bread at a reasonable price. But in practice this policy was not implemented properly. The purpose of this article is to investigate the government's exclusive and guaranteed purchase of wheat during World War II and to study the consequences of this policy. A descriptive-analytical approach is used for this purpose. The study argues that the exclusive purchase of wheat by the owners and farmers at cheap prices and selling it to the consumer at subsidized prices was in favor of the urban consumer and disadvantaged the rural producer and the government. Other consequences of this policy include hoarding wheat, prebuying, farmers' reluctance to grow wheat, migration to cities, famine, high prices, dependence on foreign imports, and the government's budget deficit.

Keywords: World War II, Agriculture, Wheat, Exclusive purchase, Guaranteed purchase.

1. Email of Author: bakhtiari@HUM.ikiu.ac.ir

ارزیابی عملکرد دولت در خرید انحصاری و تضمینی گندم در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰-۱۳۲۴)

محمد بختیاری^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

(از ص ۱ تا ص ۱۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

علمی-پژوهشی

چکیده

خرید تضمینی گندم با هدف رسیدن به خودکفایی و حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده، یکی از سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت از زمان پهلوی اول تاکنون بوده است. اما در مواقعی، به دلیل عدم اجرای درست این سیاست، نه تنها اهداف مذکور محقق نشده، بلکه پیامدهای زیان‌باری به دنبال داشته است. جنگ جهانی دوم یکی از دوره‌هایی است که دولت برای تأمین نان مورد نیاز مردم با قیمتی متعادل، خرید انحصاری و تضمینی گندم از مالکان و زارعان را در پیش گرفت. اما در عمل این سیاست درست اجرا نشد. پژوهش حاضر در صدد است عملکرد دولت در خرید انحصاری و تضمینی گندم در جنگ جهانی دوم را مورد بررسی قرار دهد و به این سوال پاسخ دهد که اجرای سیاست خرید انحصاری و تضمینی گندم چه پیامدهایی را به دنبال داشت. برای این منظور از روش توصیفی تحلیلی استفاده می‌شود. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد خرید انحصاری گندم از مالکان و زارعان با قیمت ارزان و فروش آن به مصرف‌کننده با قیمت ارزان‌تر و یارانه‌ای، به نفع مصرف‌کننده شهری و ضرر تولیدکننده روستایی و دولت بود. از دیگر پیامدهای زیان‌بار این سیاست می‌توان به احتکار و قاچاق گندم، سلف‌خری، بی‌انگیزگی کشاورزان برای کشت گندم، مهاجرت روستاییان به شهرها، قحطی، گرانی، وابستگی به واردات خارجی و کسری بودجه دولت اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: جنگ جهانی دوم، کشاورزی، گندم، خرید انحصاری، خرید تضمینی.

۱. مقدمه

تولید گندم به عنوان یکی از محصولات استراتژیک در تأمین مواد غذایی ایرانیان، از گذشته مورد توجه مردم و حکومت بود، طوری که بخش زیادی از زمین‌های زراعی به کشت گندم اختصاص می‌یافت و محصول به دست آمده در تهیه نان، به عنوان اصلی‌ترین غذای اکثریت مردم به کار می‌رفت. در دوره معاصر با کاهش جمعیت تولیدکننده روستایی و افزایش چندین برابر جمعیت مصرف‌کننده شهری، تأمین مواد غذایی این جمعیت انبوه به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها تبدیل شده است. برای این منظور، دولت‌ها به فکر تشویق و حمایت کشاورزان برای افزایش تولید محصولات اساسی کشاورزی افتاده‌اند تا با استفاده از روش‌ها و ماشین‌آلات مدرن کشاورزی، بذره‌های مناسب، وام‌های دولتی و غیره محصولات بیشتری را تولید کنند. در همین راستا، یکی از راهکارهای دولت‌ها خرید تضمینی گندم است. برای این منظور دولت‌ها با توجه به هزینه‌های تولید، نرخ تورم و قیمت سایر اجناس، یک قیمت حداقلی معقول و متعادلی را برای خرید تضمینی محصول تعیین می‌کنند تا کشاورزان مطمئن باشند اگر نتوانند محصول تولیدی خودشان را با قیمت بالاتری در بازار آزاد بفروشند، حداقل، به قیمت تضمینی به دولت تحویل دهند. این استراتژی باعث افزایش انگیزه و اطمینان کشاورزان برای کشت محصول مورد نظر و در نتیجه افزایش تولید و رسیدن کشور به خودکفایی می‌شود. البته در صورتی که با روش درستی اجرا شود و دولت با استفاده از قانون خرید انحصاری گندم، کشاورزان را مجبور نکند محصولات خود را به هر قیمتی که دولت تعیین کرده، به او بفروشند، بلکه تولیدکنندگان باید اختیار فروش محصولات خود در بازار آزاد به قیمت دلخواه را داشته باشند و اگر نتوانستند این کار را انجام دهند، دولت محصول آنها را با قیمت تضمینی خریداری نماید. همچنین، دولت باید در تعیین قیمت محصول، سود و صلاح تولیدکننده، مصرف‌کننده و خودش را به عنوان واسطه در نظر بگیرد، در غیر این صورت باعث متضرر شدن یکی از طرفین یا به خطر افتادن منافع عمومی جامعه می‌شود. جنگ جهانی دوم یکی از مواردی است که سیاست خرید تضمینی و انحصاری گندم درست اجرا نشد و در آن، نه قیمت خرید تضمینی به صورت منطقی و متعادل تعیین شد که باعث تقویت انگیزه کشاورزان برای افزایش تولید شود و نه به زارعان و مالکان اجازه و اختیار فروش گندم در بازار آزاد را دادند، بلکه دولت خرید گندم از کشاورزان را به انحصار خود درآورد و خرید و فروش آن را در

بازار آزاد غیرقانونی اعلام کرد و این سیاست باعث بروز مشکلاتی در جامعه گردید. پژوهش حاضر با هدف بررسی عملکرد دولت در اجرای سیاست خرید انحصاری و تضمینی گندم در جنگ جهانی دوم انجام می‌شود و می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که خرید انحصاری و تضمینی گندم چه آثار و پیامدهایی را به دنبال داشت؟ برای این منظور، از روزنامه‌ها به خصوص روزنامه اطلاعات، اسناد و منابع دست اول باقی مانده از آن دوره استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که درباره این موضوع کار پژوهشی مستقل و جامعی صورت نگرفته است. در حالی که این موضوع نه تنها یکی از مباحث اساسی تاریخ معاصر ایران است، بلکه یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه امروز ماست و نتایج چنین تحقیقاتی می‌تواند در تصمیم‌گیری مسئولان کشور کمک و راهنمای خوبی باشد.

۲. خرید انحصاری و تضمینی گندم توسط دولت

اکثر انحصارها از جمله انحصار تجارت خارجی و خرید و فروش کالاهای اساسی داخلی همچون پنبه، توتون و گندم در عهد وزارت دارایی علی‌اکبر داور (۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ش) تأسیس شد. داور می‌خواست دولت یگانه واسطه بین تولیدکننده و مصرف‌کننده باشد و با حذف سایر واسطه‌ها و دلالتان، کالاها را با قیمت بهتری از تولیدکننده بخرد و با نفع مختصری آن را به مصرف‌کننده بفروشد. هر چند از نظر اقتصادی این سیاست خوب و معقول بود. اما داور می‌دانست که دولت تاجر خوبی نیست. لذا برای هر یک از انحصارها یک شرکت بازرگانی با سرمایه دولت تشکیل و اشخاص تاجر لایقی را در رأس آن گذاشت. در نتیجه این حسن تدبیر بود که محصول پنبه از ۵ هزار تن در مدت چند سال به ۳۵ هزار تن رسید و مقدار قابل توجهی گندم، تولید و حتی به خارج صادر شد (اطلاعات، ۱۳۲۳/۳/۲۲: ۱). اما با مرگ داور مقصود اصلی فراموش شد و انحصار به منبع عایداتی برای دولت تبدیل شد. به این معنا که دولت محصولات انحصاری را به قیمت ارزان از زارع ایرانی می‌خرید و آن را به قیمت گران به مصرف‌کننده می‌فروخت و از این طریق سود کلانی را به دست می‌آورد. مثلاً در دو سال قبل از جنگ جهانی دوم، دولت گندم را تنی ۱۸ تومان از تولیدکننده می‌خرید و ۳۰ تومان به مصرف‌کننده می‌فروخت (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۸۲). در چنین شرایطی، زارع که چاره‌ای جز فروش محصولش با قیمت ارزان به دولت نداشت و از این راه، نه تنها هیچ سودی عایدش نمی‌شد، بلکه ضرر نیز می‌کرد، از زراعت خود کاست و به کشت محصولات غیر

انحصاری روی آورد (اطلاعات، ۱۳۲۰/۸/۱۲: ۳). در نتیجه، از مقدار محصولات انحصاری مثل پنبه و گندم به تدریج کاسته شد تا جایی که ایران به واردکننده برخی از این کالاها تبدیل شد (بولارد و اسکرین، ۱۳۶۳: ۸۴). بر طبق اظهارات عباسقلی گلشائیان کفیل وقت وزارت دارایی، در زمان ورود متفقین به ایران «فقط مصرف برای سه روز بیشتر در تهران گندم نبود» (گلشائیان، ۱۳۹۳: ۲۹)

با ورود متفقین به ایران در جنگ جهانی دوم و به وجود آمدن شرایط بحرانی در کشور، دولت برای کنترل بر بازار کالاهای اساسی، دامنه انحصارها را گسترده‌تر و شدیدتر کرد، طوری که خرید و فروش بسیاری از محصولات کشاورزی و کالاهای دیگر را به انحصار خود درآورد. اما از آنجا که علی‌رغم تورم بسیار شدید ناشی از جنگ، دولت متناسب با افزایش روزافزون قیمت‌ها، بهای خرید گندم و دیگر کالاهای انحصاری را افزایش نداد، مالکان و زارعان از فروش محصولات خود به دولت با قیمت ارزان امتناع کردند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۶۳). در نتیجه، سیلوه‌های گندم ساخته شده در اواخر دوره رضاشاه خالی ماندند و دولت در تأمین نان مورد نیاز مردم با مشکل اساسی مواجه شد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۰-۷۱). علت دیگر بروز چنین وضعیتی، مصادف شدن زمان ورود متفقین به ایران با اواخر فصل برداشت سال ۱۳۲۰ و آغاز فصل کاشت سال بعدی بود. در چنین شرایطی که جامعه به خاطر ورود متفقین به کشور و استعفای رضاشاه دچار هرج و مرج و ناامنی شده بود، جمع‌آوری محصول با دقت انجام نشد و زارعان چندان انگیزه و امیدی برای کشت محصولات کشاورزی، آن هم محصولاتی که قرار بود با قیمت ارزان به دولت بفروشند، نداشتند (ساکما، ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷: ۲). بعلاوه اینک متفقین کلیه وسایل حمل و نقل زمینی و ریلی ایران اعم از کامیون‌ها و واگن‌های راه‌آهن را که برای حمل گندم و دیگر محموله‌ها لازم بود، جهت انتقال مواد و مهمات به شوروی در اختیار گرفته بودند (خان ملک یزدی، بی‌تا: ۹۷). علاوه بر این، روس‌ها از انتقال غله منطقه حاصل‌خیز آذربایجان و مناطق شمالی ایران به تهران و نواحی دیگر جلوگیری می‌کردند و بخش زیادی از آن را برای مصرف خود به شوروی صادر می‌کردند (داد، ۱۳۲۱/۱۲/۲۴: ۲؛ گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۱: ۱۷۱-۱۷۲-۴۸۵). مثلاً در سال ۱۳۲۲ روس‌ها حدود ۱۰۰ هزار تن گندم از این مناطق به کشور خودشان صادر کردند (ساعد مراغه‌ای، ۱۳۵۳، ۱۴-۱۸). خشکسالی و عدم بارش برف و باران کافی نیز مزید بر علت شد و دولت را در تأمین کالاهای اساسی به ویژه نان با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو

کرد که اوج آن وقوع حادثه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ بود (ساکما، ۲۴۰/۴۵۸۳۳) دولت برای مقابله با بروز حوادث مشابه و حل مشکل خرید انحصاری گندم دست به اقداماتی زد که در ادامه به مهمترین آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲. بالا بردن قیمت خرید تضمینی گندم و استفاده از سیاست‌های تشویقی

قیمت خرید تضمینی گندم در طول ۵ سال قبل از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹) تنها ۳۴ درصد افزایش یافته بود در حالی که بهای برنج ۶۷ درصد، روغن ۷۸ درصد، پشم ۲۳۶ درصد و بهای بسیاری از کالاهای دیگر بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش یافته بود (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱/۲۴: ۱). با اشغال ایران توسط متفقین، بر قیمت هر کدام از این کالاها بار دیگر چند برابر افزوده شد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۸۶). لذا یکی از نخستین اقدامات دولت برای حل مشکل گندم، افزودن بر قیمت آن متناسب با افزایش قیمت سایر کالاها و تورم بود تا از این طریق، هم بتواند مالکان و زارعان را به فروش گندم به دولت تشویق نماید و هم آنها را به کاشت محصول در سال زراعی بعد دلگرم سازد. برای این منظور، گلشائیان وزیر دارائی وقت در ۳ مهر ۱۳۲۰ اعلام کرد: دولت قیمت گندم را در تهران از ۶۵۰ ریال برای هر تن به ۱۲۰۰ ریال و در سایر نقاط کشور نیز به همین ترتیب افزایش می‌دهد (اطلاعات، ۱۳۲۰/۷/۳: ۱). حتی دولت برای اطمینان بخشی بیشتر به تولیدکنندگان گندم، در طی یک آگهی عمومی اعلام کرد: «ترقی نرخ موقتی نبوده و از نظر ازدیاد محصول و تشویق مالکین و زارعین به تکثیر زراعت گندم وزارت دارایی محصول آتیه را در تمام نقاط کشور به نرخ فعلی خریداری خواهد نمود.» (اطلاعات، ۱۳۲۰/۸/۲۹: ۱). اما این افزایش حدود صد در صدی قیمت گندم و وعده و وعید دولت برای خرید تضمینی محصول سال آینده، تولیدکنندگان را راضی نکرد. چون اولاً در طول چند سال گذشته قیمت خرید تضمینی گندم متناسب با تورم بالا نرفته بود و با افزایش فعلی، تنها بخشی از ارزانی قیمت رفع شده بود. ثانیاً افزایش دو برابری قیمت گندم در مقایسه با جهش چند برابری بهای سایر کالاها بعد از اشغال کشور در شهریور ۱۳۲۰ بسیار ناچیز بود (داد، ۱۳۲۲/۴/۱۵: ۱). ثالثاً قیمت گندم در بازار آزاد خیلی بالاتر از قیمت دولتی بود طوری که در برخی مناطق به تنی ۵۵۰۰ ریال می‌رسید (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۵۱، میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۵۰). این عوامل موجب شد دولت در جمع‌آوری محصول و تشویق زارعان به توسعه کشت گندم با شکست مواجه شود. دولت برای حل این مشکل مجبور شد بار دیگر در خرداد ۱۳۲۱ قیمت

گندم را بالا ببرد و بهای تضمینی گندم در تهران را برای مهر ۱۳۲۱، تنی ۱۸۰۰ ریال اعلام کند که هر ماه ۱۰۰ ریال از آن کم می‌شد و در اسفند ماه به ۱۳۰۰ ریال می‌رسید و در فروردین ۱۳۲۲ به قیمت قبلی خود یعنی ۱۲۰۰ ریال بازمی‌گشت (اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۲۵: ۱). دولت با این سیاست می‌خواست تولیدکنندگان هر چه سریعتر محصول خود را تحویل دهند. اما از آنجا که قیمت جدید باز هم از قیمت بازار آزاد که در آن زمان به ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال در هر تن رسیده بود (ساکما، ۲۸۲۸/۰۰۳۱۰: ۱۵-۴۰؛ مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۹)، پایین‌تر بود و در کشت سال ۱۳۲۱ به خاطر شرایط بحرانی جامعه، اختلال ایجاد شده بود و باران نیز به اندازه کافی نیامده بود، باز هم دولت در خرید مازاد گندم روستاییان ناکام ماند.

در آن زمان در مورد نحوه حل این مشکل سه دیدگاه کلی مطرح بود. دیدگاه اول بر افزایش دوباره قیمت‌ها تا حد قیمت بازار آزاد و کسب رضایت تولیدکننده برای عرضه محصولش به دولت تأکید داشت. طرفداران این دیدگاه معتقد بودند تنها آفتی که برای گندم وجود دارد معاملات آزاد و قاچاق آن است و جلوگیری از این معاملات قاچاق با داشتن مرزهای عریض و طویل و نبودن وسایل کافی که از خروج گندم ممانعت کند تنها یک راه دارد و آن بالا بردن قیمت غله به اندازه‌ای است که قاچاق و صادر کردن آن دیگر مقرون به صرفه نباشد (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۳۱: ۱). هر چند با اجرای این دیدگاه ممکن بود تولیدکنندگان برای فروش محصول خود به دولت رغبت بیشتری نشان دهند، اما این روش کاملاً بی‌نقص و کم‌هزینه نبود. چون اولاً ممکن بود تولیدکنندگان که به افزایش چندین باره قیمت‌ها از طرف دولت عادت کرده بودند، احتمالاً به انتظار افزایش مجدد قیمت، از فروش محصول خود به دولت خودداری کنند. دوم اینکه دولت با افزایش قیمت خرید گندم با مشکل دیگری به نام کسری بودجه مواجه می‌شد. یا باید بر قیمت آرد تحویلی به نانوایان و بهای نان می‌افزود که باعث گرانی سایر کالاها می‌شد. یا اینکه گندم گران خرید شده را با همان قیمت ارزان قبلی به نانوایان تحویل می‌داد و مابه‌التفاوت را خودش می‌پرداخت که مبلغ فوق‌العاده زیادی می‌شد.

دیدگاه دوم بر تهدید و تنبیه محترمان و قاچاقچیان گندم اصرار داشت و معتقد بود «ملاکینی که بخواهند سوء استفاده کنند، بخواهند با انبار کردن غله و احتکار و فروش قاچاق و صدور از کشور نفع ببرند و با جان مردم بازی کنند باید با جان آنها بازی کرد. باید جان آنها را فدای مصلحت جامعه کرد. این اشخاص باید به دار آویخته شوند،

دارایی‌شان ضبط و به شدیدترین کیفر برسند. این تنها راهی است که دولت را موفق به تأمین نان مردم می‌سازد» (اطلاعات، ۱۳۲۱/۵/۲: ۱). بسیاری از سفرا و رجال سیاسی متفقین نیز که خودشان مسبب اصلی بروز چنین شرایطی در ایران بودند، طرفدار این دیدگاه بودند (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۳: ۹۰).

دیدگاه سوم بر خروج کامل دولت از بحث خرید و فروش گندم و لغو انحصار این کالا تأکید داشت و معتقد بود تنها راه جلوگیری از احتکار و قاچاق گندم، آزاد کردن قیمت آن است (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۲۶: ۱). البته در شرایط آن روز کشور استفاده از چنین روشی چندان به صلاح جامعه نبود، چون در آن شرایط جنگی و بحرانی که تولید و عرضه گندم با مشکل روبه‌رو شده بود، با آزاد شدن ناگهانی بهای گندم، قیمت‌ها به شدت افزایش پیدا می‌کرد و نه تنها تأمین امنیت غذایی مردم با مشکل اساسی مواجه می‌شد، بلکه با تأثیر بر قیمت سایر اجناس، جامعه با گرانی و بحران اقتصادی فاجعه‌آمیزی روبه‌رو می‌شد. بنابراین، دولت بر خرید انحصاری گندم اصرار ورزید و در اجرای آن، از هر دو روش تشویق و تنبیه استفاده کرد.

در ۲۱ مهر ۱۳۲۱ شریدان (Sheridan) مستشار آمریکایی خواربار که تازه به استخدام دولت درآمده بود مقررات جدیدی را برای خرید و فروش گندم اعلام کرد که بر اساس آن قیمت هر تن گندم در تهران، استان آذربایجان غربی و شهرستان‌های کرمانشاهان، کردستان، لرستان، اصفهان و شیراز ۳۵۰۰ ریال و در سایر استان‌ها ۳۰۰۰ ریال تعیین شد. این مبلغ، هم برای کسانی که محصول خود را قبلاً به دولت تحویل داده بودند و هم تولیدکنندگانی که در آینده تحویل می‌دادند، لحاظ می‌شد و تا آخر آذر ماه برقرار بود. بعد از آن تاریخ از نرخ بالا ۲۰ درصد کسر می‌شد. برای محصول سال بعد نیز دولت تضمین کرد برای هر تن گندم حداقل ۲۸۰۰ ریال بپردازد (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۲۱: ۱) اما دولت علی‌رغم افزایش بیش از پنج برابری قیمت گندم در طول یک سال، نتوانست در خرید گندم موفق عمل کند طوری که در همان ماه‌های اول بعد از برداشت محصول سال ۱۳۲۱ قحطی و گرانی شدیدی به وجود آمد. زیرا دولت علاوه بر تعیین قیمت ارزان‌تر از قیمت بازار آزاد برای خرید گندم، موجب بروز مشکلات دیگری برای کشاورزان شده بود که سبب افزایش نارضایتی و عدم تمایلشان به معامله با دولت شد. برخورد مستبدانه و تبعیض‌آمیز مأموران دولتی با زارعان (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۱۸: ۱)، تعیین کیفیت پایین برای گندم‌های خریداری شده از زارعان (مشروح مذاکرات مجلس، دوره

۱۳، جلسه ۹۸، کم کردن کرایه و دیگر مخارج از قیمت گندم (ساکما، ۹۷/۲۶۰/۴۳۱-۹۷/۲۶۰/۴۷۴) و تأخیر در پرداخت پول گندم (ساکما، ۳۱۰/۲۸۳۵) از جمله مسائلی بود که موجب نارضایتی مالکان و زارعان شد.

۲-۲. تهدید و اجبار مالکان و زارعان برای فروش گندم به دولت

در جنگ جهانی دوم، دولت در ابتدا می‌خواست با افزایش قیمت گندم و تشویق مالکان و زارعان به تحویل محصولشان به دولت، مشکل تأمین نان مورد نیاز مردم را حل کند. اما علی‌رغم افزایش بیش از ۵ برابری قیمت گندم نتوانست به هدفش برسد. بنابراین در کنار استفاده از روش تشویقی، راه تهدید و تنبیه را نیز در پیش گرفت و با تصویب قوانینی در مورد منع احتکار، قاچاق، سلف‌خری و اجبار تولیدکنندگان به تحویل محصولشان به دولت، به مقابله با محترکان و دلان پرداخت. وزارت دارایی در ۲۸ بهمن ۱۳۲۰ مأموران خود را به شهرستان‌ها فرستاد تا با انتشار آگهی به افراد اطلاع دهند که تا ۱۵ فروردین ۱۳۲۱ مازاد غلات خود را به دولت تحویل دهند. چون بعد از انقضای مهلت اگر جنسی نزد افراد پیدا شود، علاوه بر ضبط جنس، مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱۱/۲۸: ۱). دو روز بعد از صدور این دستورالعمل، دولت لایحه‌ی جلوگیری از احتکار را به مجلس تقدیم کرد که در ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ به تصویب رسید. و در ۴ اردیبهشت ۱۳۲۱ آیین‌نامه‌ی اجرای قانون جلوگیری از احتکار گندم و جو از طرف وزارت دارایی منتشر شد که بر اساس آن کلیه‌ی مالکین مؤلف بودند مازاد محصول خود و آنچه را که از رعایا و کشاورزان خریداری کرده بودند، پس از وضع مصرف عائله خود و هزینه‌ی عادی ملک طبق معمول محل و بذر و مساعده، در مدت معین به نزدیکترین شعبه‌ی دارایی تحویل داده و بهای آن را به نرخ مقرر دریافت کنند (ساکما، ۲۴۰/۱۴۳۹۵؛ اطلاعات، ۱۳۲۱/۲/۴: ۱)

با روی کار آمدن قوام به جای سهیلی به عنوان نخست‌وزیر، سخت‌گیری بر مالکان و زارعان برای تحویل مازاد غله خود به دولت بیشتر شد. قوام برای رفع مشکلات موجود، وزارتخانه‌ی جدیدی به نام خواربار ایجاد کرد و مستشاران آمریکایی به استخدام دولت درآورد تا به امور مالی و خواربار رسیدگی کنند. مستشارانی که همچون انگلیسی‌ها، عامل اصلی بخش زیادی از مشکلات موجود را ضعف و ناتوانی دولت در مقابله با محترکان، سودجویان و مفسدان اقتصادی و اداری می‌دانستند و به سخت‌گیری و برخورد قاطع دولت با این افراد تاکید داشتند (بولارد و اسکرین، ۱۳۶۳: ۹۰). به همین دلیل، از همان ابتدا آیین‌نامه‌های متعددی را منتشر کردند که در آنها به فروش اجباری

گندم به دولت و قاچاق بودن هر نوع معامله و حمل و نقل گندم بدون اجازه رسمی دولت تأکید شده بود. در مهر ۱۳۲۱ در آیین‌نامه جدیدی که از سوی شریدان و وزارت خواربار منتشر شد، آمده بود: « دولت مصمم است قانون جلوگیری از احتکار را دقیقاً و شدیداً به مورد اجرا بگذارد. هر نوع معامله در مورد گندم اکیداً ممنوع است مگر به وسیله وزارت خواربار یا عاملینی که از طرف وزارت خواربار معرفی می‌شوند و هر نوع معامله بدون جواز قاچاق محسوب و مرتکب، طبق مقررات قانون اعم از خریدار و فروشنده تعقیب و جنس کشف شده ضبط خواهد شد» (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۲۱: ۱).

با تصویب و صدور چنین قوانین و آیین‌نامه‌های تهدیدآمیزی که کشف و ضبط کالاهای برخی از محتکران و قاچاقچیان را نیز به دنبال داشت (ساکما، ۳۵۰/۸۳۹۲: ۳؛ ۲۴۰/۸۳۳۹۷؛ اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۸: ۱)، دولت و مسشتشاران آمریکایی از تداوم و تشدید روند موجود تا رسیدن به نتیجه نهایی سخن گفتند، غافل از اینکه شرایط لازم برای اجرای چنین برنامه‌هایی در وضعیت آن روز کشور وجود نداشت و این قوانین و مقررات در عمل با مشکلات زیادی مواجه شد. چون بسیاری از این قوانین، عجولانه و غیر علمی وضع شده بودند و تعداد زیادی از مأموران و مجریان قانون، خودشان شریک دزد و رفیق قافله بودند و با اخذ رشوه، متخلفان و سودجویان را در انجام تخلفشان یاری می‌کردند (خواجهنوری، ۱۳۵۶: ۱۷۴؛ اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۶). مثلاً در موضوع گرفتن تعهد مازاد غله، از بعضی مالکان به خصوص خرده مالکان زیاد تعهد می‌گرفتند به طوری که برای بذر و مساعده رعیت آنها چیزی باقی نمی‌ماند و کشت و کار آنها لنگ می‌ماند اما از بعضی مالکان متنفذ به اندازه نصف و ثلث آنچه باید تعهد گرفته می‌شد، تعهد می‌گرفتند. به این ترتیب، آن افراد می‌توانستند بخش زیادی از محصول خود را به دولت تحویل ندهند و در بازار آزاد به قیمت بالاتری بفروشند و بخشی از سود به دست آمده را به عنوان رشوه به مأمور دولت پرداخت نمایند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۱۸: ۱).

در مجموع می‌توان گفت هیچ کدام از روش‌های تشویقی و تنبیهی دولت برای خرید انحصاری گندم در جنگ جهانی دوم نتوانست به نتیجه دلخواه برسد. حتی باعث بروز مشکلاتی نیز شد که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۳. پیامدهای خرید انحصاری و تضمینی گندم

۳-۱. احتکار و قاچاق گندم

خرید انحصاری گندم توسط دولت که از سال‌ها پیش از شروع جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، با ورود متفقین به ایران شدت یافت. در چنین شرایطی، اگر دولت قیمت خرید تضمینی را تا اندازه‌ای افزایش می‌داد که انگیزه احتکار و قاچاق گندم را از بین می‌برد، شاید در سیاست خرید انحصاری به نتایج بهتری می‌رسید و جلوی تشکیل بازار سیاه گرفته می‌شد، اما دولت علی‌رغم تغییر چندین باره قیمت گندم و افزایش بهای آن از ۶۵۰ ریال برای هر تن به ۳۵۰۰ ریال، در طول یک سال (مهر ۱۳۲۰ تا مهر ۱۳۲۱)، باز هم قیمت گندم را هر بار پایین‌تر از بهای آن در بازار آزاد و کشورهای همسایه تعیین کرد و همین تفاوت قیمت، انگیزه لازم برای احتکار و قاچاق این محصول حیاتی را فراهم آورد. نراقی نماینده دوره سیزدهم مجلس شورای ملی در این باره می‌گوید: «قسمت اعظم گرانی اجناس و کمیابی و صدور آن از کشور یعنی بیش از پنجاه درصد این قسمت را خود دولت فراهم کرده است و دولت در این قسمت مقدم بوده است و مسبب بوده است برای این اختلاف نرخی که در داخله کشور و خارج کشور ایجاد کرده است نرخ فرمایشی و مصنوعی برای اجناس و کالاها که در داخله کشور ایجاد شد مسبب صدور جنس از کشور شد» (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳: جلسه ۲۹).

مالکان که بر اساس قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی مجبور بودند، مازاد غله خود را با قیمت تعیین شده به دولت تحویل دهند، به بهانه‌های مختلف همچون کاهش تولید در اثر خشکسالی و آفات و بلایای دیگر، از دادن محصول خود به دولت امتناع نموده و آن را احتکار می‌کردند و بعد با قیمت بالاتر در بازار آزاد می‌فروختند یا به خارج از کشور قاچاق می‌کردند (ساکما، ۱۵۴۵/۹۷/۲۶۰؛ ۹۷/۲۹۳/۹۴۴۷) علاوه بر این، عده‌ای از دلالتان و پیمانکاران قوای متفقین به سلف‌خری روی آوردند و با پیش‌خرید محصول کشاورزان به قیمت بالاتر از قیمت دولتی و دادن بهای آن به صورت نقد، بخش قابل توجهی از غله کشور را می‌خریدند و با احتکار و فروش آن در بازار آزاد یا قاچاق به خارج، سود زیادی را به دست می‌آوردند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۶۶/۳؛ فرخ، بی‌تا: ۴۶۲-۵۰۷). یکی از اهالی رضائیه که شاهد عینی قاچاق کالا از مرزهای شمال غربی کشور به عراق بوده، در این باره می‌نویسد: «امسال محصول آذربایجان غربی رضایت‌بخش است به طوری که از هر حیث می‌تواند نان مردم را تأمین نماید ولی

متاسفانه اکنون که سر خرمن است مردم نان ندارند زیرا روزی نیست که چند صد خروار گندم به دست عناصر فرومایه قاچاقچی و دلال از مرز کشور به عراق صادر نگردد» (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۱۵: ۱). شربدان مستشار خواربار نیز قاچاق گسترده محصولات کشاورزی ایران به خارج را تأیید کرده و می‌گوید: «از مرزهای کشور پارسال [۱۳۲۱] مقداری از خواربار ایران به طور قاچاق خارج گردید و ما یقین داریم بیش از آنچه متفقین به ایران وارد نموده یا وارد نمایند مواد مختلف خواربار از ایران خارج شده است» (اطلاعات، ۱۳۲۲/۱/۲۷: ۱).

دولت برای مقابله با احتکار و قاچاق کالا قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی را تصویب و منتشر کرد؛ اما به دلیل فقدان نیروی مرکزی قدرتمند، فساد و رشوه‌خواری مأموران دولتی و تفاوت زیاد بین قیمت آزاد و دولتی گندم در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ که انگیزه لازم برای محتکران و قاچاقچیان را فراهم می‌کرد، نتوانست جلوی تخلفات آنها را بگیرد (عظیمی، ۱۳۷۲: ۶۲-۶۳). البته در سال ۱۳۲۲ با افزایش میزان بارندگی و تولید و عرضه بیشتر محصولات کشاورزی که به کاهش بهای اجناس در بازار انجامید و آن را به قیمت دولتی نزدیک کرد، انگیزه مالکان برای تحویل مازاد غله به دولت افزایش یافت طوری که به گزارش میلسپو (Millsbaugh) رئیس کل دارایی ایران، از ۳۳۳۹۹۷ تن غله‌ای که تا دی ماه ۱۳۲۲ از مالکان تعهد گرفته شده بود، ۲۶۵۵۴۴ تن، یعنی حدود ۸۰ درصد را تا آن زمان تحویل داده بودند (اطلاعات، ۱۳۲۳/۱/۸: ۴). اما این آمار با توجه به اینکه سال زراعی ۱۳۲۲ از لحاظ بارندگی و تولید محصولات کشاورزی در میان چند سال قبل و بعد از آن بسیار متفاوت بود و محصولش حداقل دو برابر سال‌های عادی بود و همچنین در مقایسه با ۴۲۰۰۰۰ تن گندم و جو که در سال عادی ۱۳۱۷ جمع‌آوری شده بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۱۷) آمار خوبی نبود. در سال ۱۳۲۳ که وضعیت بارندگی و تولید محصولات کشاورزی نسبت به سال قبل تنزل پیدا کرد و بر اختلاف قیمت خرید تضمینی گندم و قیمت بازار افزوده شد، احتکار و قاچاق گندم باز هم رواج بیشتری یافت (ساکما، ۲۴۰/۴۹۸۹۰؛ مکی، ۱۳۶۳، ۳۲۳/۸). اما در سال ۱۳۲۴ که وضعیت بارندگی بهتر شد و خبرهایی از پیروزی قطعی متفقین منتشر شد، قیمت همه محصولات کشاورزی از جمله گندم در بازار آزاد تنزل یافت و به قیمت دولتی نزدیک شد و انگیزه لازم برای احتکار و قاچاق از بین رفت.

۲-۳. بی‌انگیزی کشاورزان به کشت گندم و مهاجرت به شهر

انحصار خرید و فروش گندم به دولت و تعیین قیمت پایین برای این محصول باعث بی‌انگیزی کشاورزان به کشت گندم، مهاجرت آنها به شهرها و اشتغال به عملگی در راه‌ها شد (ساکما، ۲۸۲۸/۰۰۳۱۰: ۶). در گزارشی مربوط به نارضایتی کشاورزان از چنین وضعیتی آمده است: «زارعان و کشاورزان از بهای فعلی گندم ناراضی می‌باشند و حرف حسابی آنها این است که بهای فعلی گندم برای آنها صرف ندارد بلکه ضرر دارد و حتی شنیده می‌شود که برخی از آنها گفته‌اند اگر دولت بخواهد با این شکل گندم و جو را از ما خریداری کند ما در سال آینده از کشت آن صرف نظر می‌کنیم و ترک زراعت می‌کنیم» (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۳۰: ۱). این گزارش در زمانی نوشته شده که قبل از آن دولت دو بار قیمت گندم را افزایش داده بود. با این حال قیمت دولتی گندم در مقایسه با قیمت آن در بازار آزاد و کشورهای همسایه، میزان تورم در جامعه و هزینه‌های تولیدی زارعان بسیار پایین بود. لذا کشاورزان انگیزه‌ای برای تولید گندم و تحویل آن به دولت با قیمت تعیین شده را نداشتند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۳۸). دولت برای تشویق آنها جهت تحویل محصول سال ۱۳۲۱ و کاشت بذر سال بعد، بار دیگر در مهر ۱۳۲۱ قیمت گندم را از ۱۸۰۰ ریال به ۳۵۰۰ ریال در هر تن افزایش داد. هر چند با این کار، برخی از روستاییان رغبت بیشتری برای زراعت گندم پیدا کردند اما عده‌ای دیگر به دلیل کم بودن بهای جدید گندم نسبت به قیمت آن در بازار آزاد که در برخی مناطق به ۷ تا ۱۰ هزار ریال می‌رسید، و همچنین رفتار بد مأمورین جمع‌آوری مازاد غله و بالا بودن درآمد عملگی در شهرها و راه‌ها، بخصوص در خدمت متفقین، از کشت گندم دست کشیدند و به شهرها مهاجرت کردند که نتیجه‌اش خالی شدن روستاها از نیروی کار و آسیب دیدن کشاورزی بود (ساکما، ۵۸۰/۲۶۰/۹۷؛ مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۲۵).

مهاجرت از روستاها به شهرها در زمان جنگ جهانی دوم چنان گسترده و عظیم بود که تنها در تهران از مهاجرت حدود ۱۰۰ هزار نفر از روستاهای اطراف به این شهر سخن گفته شده است (اطلاعات، ۱۳۲۱/۸/۱۸: ۱) این در حالی بود که مالکان اطراف تهران سعی می‌کردند با تغییر زراعت از گندم به صیفی، لوبیا، خربزه و هندوانه که سه برابر بیشتر از زراعت گندم درآمد داشت، رعایا را در روستاها نگه دارند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۴: ۱). وضعیت در روستاهای دورافتاده بدتر از این بود و عده‌ای از کشاورزان به دلیل مقرون به صرفه نبودن زراعت، گاو و چهارپایان خود را می‌فروختند و به عملگی در جاده‌ها و شهرها روی

می‌آوردند. مثلاً در سال ۱۳۲۱ در بوشهر جمعیت شهر به خاطر مهاجرت روستاییان اطراف، از ده هزار نفر به چهل هزار نفر افزایش پیدا کرد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۴۰). در گزارشی در مورد تأثیر این مهاجرت‌ها چنین آمده است: « علت بزرگ کمی محصول کشور و احتیاج کنونی به غله و گندم و سایر محصولات کشاورزی از خارجه نتیجه همین موضوع می‌باشد که کشاورزان به شهرها روآور شده، دست از شغل آبا و اجدادی خود کشیده‌اند» (اطلاعات، ۱۲/۴/۱۳۲۱: ۱). در حالی که اگر قیمت محصولات کشاورزی منصفانه تعیین می‌شد، بسیاری از آنها انگیزه لازم برای ماندن در روستا و ادامه کار زراعت را پیدا می‌کردند.

۳-۳. کسری بودجه دولت، اخذ وام و انتشار اسکناس برای خرید گندم

در سال‌های اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، دولت برای تأمین نان مورد نیاز مردم با قیمتی ارزان که جلوی نارضایتی و شورش احتمالی را بگیرد، در تنگنای عجیبی قرار گرفته بود. چون از یک طرف، برای تأمین گندم و تشویق زارعان برای کشت این محصول حیاتی مجبور بود قیمت آن را افزایش دهد و در طول یک سال چندین بار نیز این کار را انجام داد. از طرف دیگر، اگر قیمت نان را متناسب با افزایش حدود ۵ برابری قیمت گندم بالا می‌برد، ممکن بود عده‌ای از مردم قدرت خرید آن را نداشته باشند و دست به شورش بزنند. لذا دولت مجبور بود مابه‌التفاوت قیمت گندم را از خزانه خود بپردازد که هزینه سنگینی را برای دولت تحمیل می‌کرد. هر چند در مورد میزان این هزینه، آمار و ارقام دقیقی در دست نیست و مقدار آن در طول جنگ جهانی دوم، با توجه به نوسانات قیمت گندم و نان، از ۱۵۰ میلیون ریال در سال ۱۳۲۰ تا ۶۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۲۱ در حال تغییر بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۶۹). اما برخی گزارش‌ها از تحمیل هزینه سالانه حداقل ۳۰۰ میلیون ریال به دولت خبر داده‌اند (اطلاعات، ۳/۸/۱۳۲۱: ۱). این هزینه سنگین باعث کسری بودجه دولت و در نتیجه، استقراض و انتشار اسکناس برای خرید خواربار می‌شد.

دولت قوام در سال ۱۳۲۱ با تصویب مجلس، ۵۰۰ میلیون ریال اسکناس منتشر کرد که باعث افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و ایجاد تورم شدید در جامعه شد (ایران در جنگ جهانی بزرگ، ۱۳۵۶: ۷۳). در اواخر همین سال دولت برای تأمین پول مورد نیاز جهت خرید خواربار اقدام به دریافت وام ۲۵۰ میلیون ریالی از بانک ملی نمود (اطلاعات، ۲۰/۱۲/۱۳۲۱: ۱). چهار ماه بعد دولت بار دیگر لایحه تقاضای تصویب ۴۰۰

میلیون ریال اعتبار برای خرید غله به مجلس برد که با ۳۰۰ میلیون ریال آن موافقت شد و در سال ۱۳۲۲ دولت یک وام ۴۰۰ میلیون ریالی دیگر با تصویب مجلس برای خرید گندم دریافت کرد. در مجموع، دولت در طول سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ یک میلیارد و چهار صد و پنجاه میلیون ریال (معادل ۱۴۵ میلیون تومان) برای خرید خواربار، به خصوص گندم از بانک‌های داخلی وام گرفت (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۲۱). اما بخش زیادی از این پول به جای خرید گندم، حیف و میل شد. زیرا دولت برای گرفتن تعهد مزاد تولید مالکان و زارعان، جمع‌آوری گندم و توزیع نان، نیروهای زیادی را استخدام کرده بود، مثلاً در قسمت غله و نان عده کارمندان بیش از ۴۶۵۰ نفر، غیر از کارمندان روزمزد و عملجات موقت بود در صورتی که سابقاً این دستگاه با ۶۰۰ نفر کارمند اداره می‌شد. لذا بخشی از پول وام‌ها به عنوان حقوق و مزایا به کارمندان و مأموران دولتی داده شد. چنانکه درخوزستان آقای سالمن (Salman) مدیرکل دارائی استان از نه میلیون و دویست و هشتاد هزار ریال پولی که برای خرید غله دریافت کرده بود، در حدود یک سوم آنرا غله خریده و دو سوم دیگر را صرف هزینه جمع‌آوری و پرسنلی همان مقدار غله نموده بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۱۱۰). این هزینه‌ها غیر از اختلاس‌های مسئولان و مأموران دولتی بود که در آن شرایط نابسامان و بحرانی بر میزان آن افزوده شده بود.

۳-۴. شکست خودکفایی و افزایش وابستگی به خارج

خرید انحصاری گندم که از دوره پهلوی اول با هدف رسیدن به خودکفایی شروع شده بود، به دلیل اجرای نادرست، به نتیجه معکوس انجامید. چون در شرایطی که به دلیل حضور متفقین در ایران، تورم و گرانی شدیدی به وجود آمده بود، دولت برای حفظ خودکفایی و تشویق زارعان به ادامه کشت، یا باید خرید و فروش گندم را آزاد می‌گذاشت تا قیمت گندم نیز همچون دیگر کالاها افزایش پیدا می‌کرد و زارعان محصولشان را با قیمت متعادل می‌فروختند یا قیمت خرید تضمینی را تا اندازه‌ای بالا می‌برد که کشاورزان با رغبت فراوانی به زراعت خود ادامه می‌دادند، اما دولت نه تنها خرید و فروش گندم را ممنوع اعلام کرد، بلکه قیمت خرید تضمینی گندم را نیز هر بار خیلی پایین‌تر از قیمت آن در بازار آزاد و کشورهای همسایه تعیین کرد و زارعان را مجبور کرد محصولشان را تنها به دولت تحویل دهند. در چنین شرایطی بسیاری از کشاورزان دست از زراعت گندم کشیدند و به تولید محصولات دیگر پرداختند یا به

شهرها و عملگی در راه‌ها روی آوردند. در نتیجه، تولید گندم با کاهش چشم‌گیری روبه‌رو شد. روش‌های تشویقی و تنبیهی دولت نیز نتوانست زارعان را به ادامه کشت ترغیب کند. بعلاوه اینکه در این زمان خشکسالی و دیگر آفات و بلایای طبیعی نیز بر کاهش میزان تولید و شکست برنامه خودکفایی تأثیر گذاشت (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۲۴۹). در نتیجه، کشوری که تا چند سال پیش در تولید گندم خودکفا بود و حتی در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ به ترتیب ۵۵۸۲۷ تن و ۵۵۸۸۸ تن گندم، جو و سایر غلات خوراکی به کشورهای خارجی صادر کرده بود، حالا برای تأمین نان مورد نیاز مردم، به خارج وابسته شد (اداره کل گمرک، احصائیه ۱۳۲۴: ۴۵).

۴. نتیجه

بررسی اسناد و منابع موجود نشان می‌دهد خرید انحصاری گندم که در ابتدا با هدف حمایت از تولیدکننده روستایی و دستیابی کشور به خودکفایی در این محصول مهم و حیاتی آغاز شده بود، بعد از اشغال کشور توسط متفقین و استعفای رضاشاه از قدرت، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت و به نتیجه معکوسی منجر شد. بعد از ورود متفقین به ایران که تورم و گرانی شدیدی جامعه را فراگرفته و قیمت اکثر کالاها به چندین برابر افزایش یافته بود، دولت برای تأمین نان مورد نیاز مردم و جلوگیری از قحطی و گرانی، خرید گندم را کاملاً به انحصار خود درآورد و نگهداری گندم و معامله آن در بازار آزاد را احتکار و قاچاق نامید و هر نوع خرید و فروش گندم به غیر دولت را ممنوع اعلام کرد. در چنین شرایطی مالکان و زارعان که هزینه تولیدشان به چند برابر افزایش پیدا کرده بود و قیمت پایین خرید تضمینی گندم که از طرف دولت تعیین شده بود، برای آنها مقرون به صرفه نبود، یا دست از زراعت کشیدند و به کشت سایر محصولات کشاورزی که در انحصار دولت نبود، روی آوردند، یا از تحویل محصول خود به دولت امتناع کردند و آن را در بازار آزاد و خارج از کشور به چند برابر قیمت دولتی فروختند و یا به شهرها و عملگی در راه‌ها روی آوردند. نتیجه این امور، کاهش شدید تولید گندم و قحطی و کمیابی این محصول مهم در جامعه بود. وقوع خشکسالی و دیگر آفات و بلایای طبیعی در سال‌های اشغال کشور نیز مزید بر علت شد و جامعه را با قحطی و گرانی شدیدی روبه‌رو کرد. دولت برای مقابله با حوادث مزبور و تشویق روستاییان به ادامه کشت، قیمت خرید تضمینی گندم را در طی سه مرحله به بیش از پنج برابر افزایش داد. اما از آنجا که هنوز بهای گندم در بازار آزاد و کشورهای همسایه خیلی گرانتر از قیمت دولتی

بود، نه کشاورزان انگیزه لازم برای ادامه کشت گندم را به دست آوردند و نه جلوی احتکار و قاچاق گندم گرفته شد. حتی قوانین تنبیهی مبارزه با احتکار و قاچاق نیز نتوانست جلوی این امور را بگیرد. زیرا اولاً اختلاف بین قیمت دولتی و آزاد گندم زیاد بود و معامله آن سود بیشتری داشت، ثانیاً عده‌ای از مأموران دولتی از ضعف حکومت مرکزی استفاده می‌کردند و با گرفتن رشوه، دلالان و سودجویان را در انجام تخلفشان همراهی می‌کردند. در این زمان دولت در تنگنای عجیبی گرفتار شده بود. چون برای تشویق زارعان به ادامه کشت گندم و تأمین مواد غذایی مردم، باید قیمت گندم را تا اندازه‌ای بالا می‌برد که برای تولیدکنندگان مقرون به صرفه می‌شد و دلالان و محتکران نیز به دلیل کم شدن اختلاف بین قیمت آزاد و دولتی گندم دست از تخلف برمی‌داشتند. اما دولت برای این کار بودجه لازم را نداشت و وام‌های متعددی هم که دریافت کرده بود، برای پرداخت مابه‌التفاوت قیمت گندم خریداری شده و نان یارانه‌ای مردم کفایت نمی‌کرد. راه‌حل دیگر این بود که دولت یارانه نان را حذف می‌کرد و آن را به قیمت واقعی به مردم می‌داد. اما از آنجا که نان غذای اصلی بسیاری از خانواده‌ها بود و افزایش قیمت آن باعث گران شدن سایر کالاها می‌شد، دولت از این کار اجتناب کرد و چاره را در تثبیت قیمت‌ها و اجبار مالکان و زارعان برای تحویل محصولشان به دولت دانست. اما با توجه به اینکه قیمت خرید تضمینی بر مبنای هزینه تولید محصول و میزان تورم و گرانی سایر اجناس تعیین نشده بود، به زیان کشاورزان و بی‌انگیزگی آنها به ادامه کشت منجر شد که نتیجه‌اش کاهش تولید، شکست خودکفایی گندم و لزوم واردات از خارج بود. بنابراین، خرید انحصاری و تضمینی گندم توسط دولت در جنگ جهانی دوم به جای اینکه به نفع کشاورزان باشد و کشور را به خودکفایی برساند، به ضرر تولیدکننده روستایی و دولت و نفع مصرف‌کننده شهری تمام شد. چون روستاییان مجبور بودند یا از زراعت دست بکشند یا محصول خود را به قیمت ارزان به دولت تحویل دهند. دولت نیز مجبور بود مابه‌التفاوت قیمت گندم و نان را از خزانه خود پرداخت کند که هزینه زیادی می‌شد. اما مصرف‌کننده شهری با دریافت نان ارزان و یارانه‌ای، سود زیادی کسب می‌کرد. البته در اقتصاد کلان، با توجه به اینکه اجرای نادرست خرید انحصاری به تولید محصول استراتژیک گندم آسیب زد و کشور را به خارج وابسته کرد، این طرح در مجموع به ضرر کل کشور تمام شد.

منابع

- اداره کل گمرک، *احصائیه تجارتي ايران در سال ۱۳۲۴*، تهران، مجلس، ۱۳۲۴.
- اسکرین، کلارمونت، *جنگ جهانی در ايران*، ترجمه حسین فراهانی، تهران، نوین، ۱۳۶۳.
- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*، به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی‌زاده، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۹.
- اطلاعات، ش ۳، ۴۵۰۳، ۱۳۲۰/۱/۲۴: ۱.
- اطلاعات، ش ۳، ۴۶۶۱، ۱۳۲۰/۷/۳: ۱.
- اطلاعات، ش ۳، ۴۶۹۶، ۱۳۲۰/۸/۱۲: ۳.
- اطلاعات، ش ۳، ۴۷۱۳، ۱۳۲۰/۸/۲۹: ۱.
- اطلاعات، ش ۳، ۴۷۹۹، ۱۳۲۰/۱۱/۲۸: ۱.
- اطلاعات، ش ۴، ۴۸۵۷، ۱۳۲۱/۲/۴: ۱.
- اطلاعات، ش ۲۹، ۴۸۸۲، ۱۳۲۱/۲/۲۹: ۱.
- اطلاعات، ش ۹، ۴۹۰۹، ۱۳۲۱/۳/۲۵: ۱.
- اطلاعات، ش ۴، ۴۹۱۹، ۱۳۲۱/۴/۴: ۱.
- اطلاعات، ش ۸، ۴۹۲۳، ۱۳۲۱/۴/۸: ۱.
- اطلاعات، ش ۱۲، ۴۹۲۷، ۱۳۲۱/۴/۱۲: ۱.
- اطلاعات، ش ۲۶، ۴۹۴۱، ۱۳۲۱/۴/۲۶: ۱.
- اطلاعات، ش ۳۰، ۴۹۴۵، ۱۳۲۱/۴/۳۰: ۱.
- اطلاعات، ش ۳۱، ۴۹۴۶، ۱۳۲۱/۴/۳۱: ۱.
- اطلاعات، ش ۲، ۴۹۴۸، ۱۳۲۱/۵/۲: ۱.
- اطلاعات، ش ۱۷، ۵۰۱۷، ۱۳۲۱/۷/۱۵: ۱.
- اطلاعات، ش ۲۰، ۵۰۲۰، ۱۳۲۱/۷/۱۸: ۱.
- اطلاعات، ش ۲۱، ۵۰۲۲، ۱۳۲۱/۷/۲۱: ۱.
- اطلاعات، ش ۳، ۵۰۳۴، ۱۳۲۱/۸/۳: ۱.
- اطلاعات، ش ۱۸، ۵۰۴۸، ۱۳۲۱/۸/۱۸: ۱.
- اطلاعات، ش ۲۰، ۵۱۲۰، ۱۳۲۱/۱۲/۲۰: ۱.
- اطلاعات، ش ۲۷، ۵۱۴۵، ۱۳۲۲/۱/۲۷: ۱.
- اطلاعات، ش ۱۸، ۵۴۲۶، ۱۳۲۳/۱/۱۸: ۴.
- اطلاعات، ش ۲۲، ۵۴۹۰، ۱۳۲۳/۳/۲۲: ۱.
- ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۲۴ - ۱۳۱۸*، (۱۳۷۱)، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
- ایران در جنگ جهانی بزرگ*، تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۱۳۵۶.

بولارد، سر ریدر و اسکراین، سر کلارمونت، شترها باید بروند!، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.

خان ملک (یزدی)، محمد، *ارزش مساعی ایران در جنگ ۱۹۳۹-۱۹۴۵*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

خواججه‌نوری، ابراهیم، *بازیگران عصر طلایی: (علی سهیلی)*، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶.

داد، ش ۹۹، ۱۳۲۱/۱۲/۲۴: ۲.

داد، ش ۱۳۷، ۱۳۲۲/۴/۱۵: ۱.

ذوقی، ایرج، *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم*، چاپ دوم، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۸.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) شماره ۳۱۰/۰۰۲۸۲۸ و ۳۱۰/۲۸۳۵ و ۲۴۰/۱۴۳۹۵ و
۲۴۰/۸۳۳۹۷ و ۲۴۰/۲۱۷ و ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷ و ۳۱۰/۰۰۵۴۵ و ۹۷/۲۶۰/۹۴۴۷ و ۹۷/۲۹۳/۹۴۴۷ و ۲۴۰/۴۹۸۹۰ و
۳۵۰/۸۳۹۲ و ۹۷/۲۶۰/۴۷۴ و ۹۷/۲۶۰/۴۳۱ و ۲۴۰/۴۵۸۳۳ و ۹۷/۲۶۰/۵۸۰.

ساعده مراغه‌ای، محمد، «بحران اقتصادی در سال‌های اشغال ایران»، *سالنامه دنیا*، شماره ۳۰، ۱۳۵۳.
عظیمی، فخرالدین، *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن
نوذری، تهران، البرز، ۱۳۷۲.

فرخ، معتمدالسلطنه، *خاطرات سیاسی فرخ (معتصم‌السلطنه): تاریخ پنجاه ساله معاصر ایران*، بی‌جا:
جاویدان، بی‌تا.

گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، به کوشش بهروز قطبی، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱.
گلشائیان، عباسقلی، *یادداشت‌های شهریور ۱۳۲۰*، با مقدمه رامین کامران، حروفچینی و صفحه‌بندی
جدید از ایران لیبرال، ۱۳۹۳.

مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای
اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، دوره ۱۳: جلسه ۲۹.

_____ دوره ۱۳، جلسه ۴۰.

_____ دوره ۱۳، جلسه ۵۱.

_____ دوره ۱۳، جلسه ۶۹.

_____ دوره ۱۳، جلسه ۸۲.

_____ دوره ۱۳، جلسه ۹۸.

_____ دوره ۱۳، جلسه ۲۲۱.

_____ دوره ۱۴، جلسه ۹.

_____ دوره ۱۴، دوره ۱۷.

_____ دوره ۱۴، جلسه ۲۵.

_____ دوره ۱۴، جلسه ۳۸.

_____ دوره ۱۴، جلسه ۶۳.

_____ دوره ۱۴، جلسه ۱۱۰.

مکی، حسین، *تاریخ بیست ساله ایران*، جلد هشتم، تهران، علمی، ۱۳۶۳.

میلسپو، آرتور، *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ
مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۰.